

غزا و جهاد عامل مشروعیت‌زای حاکمیت نادر در بینش تاریخ‌نگارانه مروی و استرآبادی

زلیخا امینی^۱ و مسلم سلیمانی‌یان^۲

چکیده

پژوهش‌نامه

تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴



مسئله مشروعیت به صورت مستقیم یا مضمونی و مفهومی، در بینش مورخان پیشینه دیرینه دارد که می‌توان در عواملی، همچون حق حکومت برای حاکمان، شناسایی و پذیرش از سوی حکومت شونندگان دانست. مطرح شدن مباحث مربوط به مشروعیت‌سازی مبتنی بر سنت غازی‌گری که به توصیف نادر می‌پردازد، در ارتباط مستقیم با مسئله مشروعیت قرار می‌گیرد. این نوشتار می‌کوشد با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، به این سوالات پاسخ دهد که مشروعیت سیاسی حکومت نادر در اندیشه مورخان چگونه بازتاب یافته و این مشروعیت را؛ متأثر از کدام طرح‌واره‌ها و الگوهای تاریخ‌نگارانه به رشته تحریر در آورده‌اند؟

یافته‌های تحقیق، حاکی از آن است که هرچند تاریخ عرصه‌ای می‌باشد که در آن نمی‌توان به حقیقت دست یافت، اما مورخان، نظرات خود را در مورد رویدادهای تاریخی به مثابه حقیقت تام، جلوه می‌دهند؛ در این آثار، بینش مورخان متأثر از طرح‌واره‌های دینی، به دنبال ایجاد مشروعیت‌سازی مبتنی بر سنت غازی‌گری و ارادت به امامان از سوی نادر در برابر دشمنان، به ویژه عثمانی می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: امامان شیعه (ع)، افشاریه، نادر، غازی‌گری.

۱. * استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیدجمال‌الدین اسدآبادی (نویسنده مسئول): z.amini@sjau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۳

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه سیدجمال‌الدین اسدآبادی: m.soleimani@sjau.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله:

هر متن تاریخی، بی‌گمان زابیده مؤلفه‌های گوناگونی است. عناصر گوناگونی در کنار هم قرار می‌گیرند تا متن آفریده شود. مورخین به‌طور کلی، با مقتضیات اجتماعی و سیاسی عصر خود پیوند دارند. واقعیت‌های تاریخی، هرگز به‌صورت دست‌نخورده به ما نمی‌رسند؛ زیرا به‌شکل بکر و دست‌نخورده، نه وجود داشته است و نه می‌تواند وجود داشته باشد. از آنجا که تاریخ گذشته به‌عنوان واقعیتی مستقل از ذهن انسان به کمک تاریخ‌نگاری، با انسان ادوار بعد و معاصر حرف می‌زند و مورخان به‌عنوان انسان‌هایی که در ظرف زمان و مکان می‌گنجند و پرورش یافتگان، به بازآفرینی و حفظ مفاهیم تاریخ گذشته و پیرامونی خود می‌پردازد، آن‌ها خواه‌ناخواه، براساس معرفت عمومی و سطح دانش جامعه و علم و معرفت شخصی خود، آنچه را که در چیرستی تاریخ می‌گنجد و تاریخ را بدان تعریف می‌کنند، دست به انتخاب می‌زنند و با زبان و ادبیات زمان خود، به بیان و نگارش آن مجموعه می‌پردازند. حاصل این تعامل دوسویه بین مورخ و واقعیت‌های تاریخی، پدیدآمدن منابع خاص تاریخ است (آرام، ۱۳۸۶، ص ۱۳). از آنجایی که واقعیت‌ها همواره از مغز وقایع‌نگار عبور می‌کند و ترتیب روایت تاریخی را به اختیار و انتخاب خود به‌سمع و نظر ما می‌رساند، براین اساس، هموست که همواره باورها و انگاره‌های خود را در گزینش رویدادهای تاریخی به‌کار می‌گیرند. گستره دانسته‌ها و آگاهی‌های یک مورخ، تحت تأثیر دو مسئله قرار دارد: نخست، شبکه ارتباطی او با پیرامونش و دیگری، تصویری که مورخ از جایگاه خود ترسیم کرده است. در دوره مورد پژوهش، تاریخ‌نگاری، تحت تأثیر دگرگونی‌های مذهبی و تحولات اندیشه‌ای، به‌ویژه ورود آموزه‌های شیعی در متون تاریخی قرار دارد. در این متون، توجه و اهتمام مورخان به رفتارها و اقدامات مذهبی پادشاهان و بازتاب آن در منابع و متون تاریخی مشهود است. با تعمق در منابع تاریخی این دوره، می‌توان انگیزه تألیف این آثار را، همانند اغلب کتب تاریخ درباری، مشروعیت‌بخشی دینی به حکومت نادر دانست. از آنجا که این آثار در دوران بعد از به حکومت رسیدن نادر نگاشته شده، هدف اصلی مورخان، یعنی مشروعیت‌دین براساس سنت غازی‌گری، در کل متون برجسته بوده و مروی و استرآبادی، مشروعیت‌سازی براساس دیگر مؤلفه‌ها یا تلفیق آن‌ها را در مرحله بعدی اهمیت قرارداده‌اند؛ حتی

ویژگی‌های اخلاق اسلامی و شخصیت ایمانی نادر، نظیر عدالت و اجرای شعائر اسلام، یا اقداماتش در گسترش فرهنگ، فقه و کلام اسلام، را جهت تکمیل اندیشه‌های غازی‌گری در نظر گرفته‌اند؛ بلکه بیشتر، امر جهادگری نادر را به‌عنوان اصلی‌ترین عامل توسعه اقتدار اسلام در جهان، برجسته می‌کنند.

نوشتار حاضر، تبیین نظرگاه کلامی و بینش اعتقادی مورخان عصرافشاریه را در دستور کار دارد و این فرضیه را واکاوی می‌کند که برخلاف تصور و آن‌گونه که با مطالعه منابع دوره افشاریه مشخص می‌شود، نادر چه از روی اعتقاد و چه در جهت کسب مشروعیت، به امامان شیعه ارادت و توجه ویژه‌ای داشته است. گزارش‌های مورخان عصرافشاری از ارادت نادر به امامان شیعه در مسائل مختلف، نشان می‌دهد که آن‌ها علاوه بر روایت تاریخ رسمی حکومت، رویکردی متفاوت از مشروعیت‌سازی برای نادر دیده و به انعکاس آن، همت گماشته‌اند و با توجه به طرحی که در ذهن خود داشته‌اند، این بحث را به‌عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار در حوادث عصر خود، گزینش کرده و آن را در رفتار نادر و حکومت‌داری وی نشان داده‌اند. بر پایه این موارد، مؤلفان نوعی از مشروعیت‌سازی را دنبال می‌کنند که نقش و اراده الهی در تعیین نادر به‌عنوان پادشاه زمانه را بازگو می‌کند؛ سرمنشأ بودن او در همه امور که از طریق اثبات حقانیت حکومت، قداست‌سازی و توجیه اشتباهات نادر صورت می‌گیرد را ثابت می‌کند و مشروعیت‌سازی را بر اساس غزا و جهاد، به‌عنوان عامل مشروعیت‌زای حاکمیت و اقتدار نادر می‌داند.

پیشینه پژوهش

در رابطه با غزا و جهاد به‌عنوان عامل مشروعیت‌زای حاکمیت و اقتدار نادر در بینش تاریخ‌نگاران مروجی و استرآبادی، هیچ تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است؛ اما سیاست مذهبی نادر به‌طور کلی و ابزارهای اجرایی آن، از جمله تلاش وی برای به رسمیت شناختن مذهب جعفری، به‌عنوان یکی از ارکان جهان اسلام، به‌صورت ویژه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ به‌عنوان مثال ایزدی (۱۳۹۱) در مقاله «شاهان صفوی و زیارت» به مفهوم واژه زیارت و اهمیت زیارت در بین صفویان و نیز زیارت تک‌تک شاهان صفوی از قبور امامان (ع) پرداخته است که می‌توان به‌صورت معنوی در مقاله حاضر از آن بهره گرفت. طلایی (۱۳۹۷) در مقاله «سیاست مذهبی صفویان و پیامد آن بر توسعه

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

موقوفات امام رضا (ع)، به رویکرد صفویان و ارادت آنان به امام رضا (ع) و گسترش فرهنگ شیعه، به توسعه اماکن مذهبی و موقوفات پرداخته است؛ اما تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر این است که فقط به صفویان و امام رضا (ع) در عصر صفوی پرداخته شده و به عتبات و دوران افشاریه اشاره نشده است. اروجی و پروان (۱۳۹۷) در مقاله «پژوهشی در دین و سیاست مذهبی نادر»، سیاست مذهبی نادر و اقدامات وی برای خشکاندن ریشه‌های اختلاف مذهبی با همسایه نیرومندی، چون امپراطوری عثمانی پرداخته‌اند. وثوقی مطلق (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی سیاست مذهبی نادر با نگاهی به ارزش کتیبه نادری»، معتقد است که نادر در این کتیبه با صراحت، گرایش مذهبی خویش را مذهب تسنن و انتسابش به دودمان تیمورلنگ را بیان نموده است که هر دوی این مسائل، با واقعیات تاریخی سازگاری نداشته، بلکه می‌توان گفت، آنچه عنوان شده، جنبه سیاسی داشته و لاغیر. در پژوهش حاضر، سعی شده که رویکرد ایدئولوژیک محور نادر، حتی در زندگی شخصی وی مطرح گردد. فروزانی (۱۳۹۱) در مقاله «نادرشاه افشار در بارگاه احمدی (شاهچراغ)»، به بررسی حمله افغانان به اصفهان و شیراز می‌پردازد و همچنین به تاریخچه حضور حضرت شاهچراغ در شیراز، پیمان‌نامه شیرازی‌ها با افغانان برای جلوگیری از آسیب رساندن به حرم مطهر و همچنین اقدامات عمرانی نادرشاه در حرم و در مورد سایر اماکن متبرکه، به صورت جزئی و گذرا پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که اقدامات نادر، ناشی از اعتقاد قلبی نادر به امامان شیعه (ع) بوده است.

به‌طور کلی، دو اشکال اساسی متوجه مطالعات پیشین است؛ نخست آنکه، آنچه عنوان شده، تنها به جنبه سیاسی حکومت نادر اشاره داشته است. دوم آنکه، هیچ‌کدام، به غزا و جهاد به‌عنوان عامل مشروعیت‌زای حاکمیت و اقتدار حکومت نادر، عنایتی نداشته‌اند. در پژوهش حاضر در بینش مورخان، اهمیت مشروعیت‌سازی براساس سنت غزا با القابی که مورخان مورد نظر به نادر می‌دهد نیز قابل مشاهده است و به‌عنوان عامل اصلی مشروعیت‌زای حاکمیت و اقتدار نادر، در امر «غزا و جهاد»، معرفی شده و به اوج خود رسیده است. مقاله حاضر درصدد است تا به غزا و جهاد به‌عنوان عامل مشروعیت‌زای حاکمیت و اقتدار نادر در بینش تاریخ‌نگارانه مروی و استرآبادی پردازد و قصد تکرار مکررات در زمینه سیاست مذهبی نادرشاه و اقدامات سیاسی وی در زمینه تقریب مذاهب را ندارد.

علائق مذهبی منبع مشروعیت بخش حقانیت فرمانروای زمانه (پیش از حکومت نادر)

قبل از دولت شیعی صفویه، در دوره آل بویه و حاکمان شیعی مغول نیز ارادت به امامان شیعه به صورت نذورات و ساخت اماکن مذهبی انجام شده بود. اوتر در سفرنامه‌اش، از اقدامات عضدالدوله دیلمی و غازان خان می‌نویسد و اینکه هرکدام، خانه‌هایی برای روحانیون و مسلمانان در سامراء ساخته‌اند (اوتر، ۱۳۶۳، ص ۶۶). در حکومت صفویه، سیاست و مذهب در تعامل دو سویه با یکدیگر قرار داشتند. مذهب شیعه در همه ارکان کشور رسوخ کرده بود. مردم از تمام طبقات، به شدت نسبت به مذهب تشیع تعصب نشان می‌دادند و در پی فرصتی بودند که احساسات خود را نشان دهند. بهترین فرصت و موقعیت برای این کار، ماه محرم و فاجعه کربلا و عزاداری برای امام حسین (ع) و یارانش بود. مردم، منابر و سکوه‌های مخصوص وعظ را در میدان‌های شهر برپا می‌کردند. این مجالس که روضه نام داشت، در دوران شاه‌عباس با تشویق او همگانی شد و در زمان فرزندان وی، روضه‌خوانی گسترش زیادی یافت (بنجامین، ۱۳۶۳، ص ۲۸۲).

عامل تولی و تبری، از مهم‌ترین ارکان تغییر مذهب به‌شمار می‌آمد و این عامل اساسی، از طرق مجالس سوگواری تحقّق یافت؛ به عبارت دیگر، سخنان مهرآمیز و عاظ و مداحی شورانگیز مداحان، اصول و فروع عقاید تشیع را در قلوب مردم جای داد. عشق به اهل بیت پیامبر (ص) در میان ایرانیان از مهم‌ترین عواملی بود که تغییر مذهب را در ایران، تاحدی آسان و موفقیت آمیز نمود و متولیان امر کوشیدند، با بهره‌گیری از این توان موجود در جامعه، امتی واحد بسازند؛ لذا در ایام محرم، در هرکوی و برزن، مجالس عزاداری برپا نمودند و مردم را به مجالسی وارد کردند که تا حدود زیادی با آن آشنایی و تعلق خاطر داشتند (اصغری، ۱۳۸۲، ص ۷۲). آن‌گونه که مسیو ماریین نوشته است: «در جمیع فرق اسلامی، طبقه‌ای دیده نمی‌شود که از روی دیانت منکر ذکر مصائب حسین (ع) شده و از آن نفرت نماید؛ بلکه عموماً یک گونه رغبت طبیعی به ادای این رسم مذهبی دارند؛ جز این نکته، اتحادی در مسلمانان مختلف‌العقیده دیده نمی‌شود» (جوزف، ۱۳۹۵، ص ۴۵). فیگوتروا هم که در سال ۱۰۲۸ قمری در ایام سلطنت شاه‌عباس اول به ایران مسافرت کرده بود، عزاداری دهه

اول محرم را از نزدیک دیده است. وی در این باره چنین نوشته است: «... در این ایام مقدس، ده تا دوازده روز در همه مساجد و بازارها و دیگر اماکن عمومی، مجالس وعظ و عزاداری برپا می‌شود و زن و مرد و پیر و جوان در آن شرکت می‌کنند. موعظه‌گران این مجالس، علمای شرعند... و غالباً ملا یا قاضی نامیده می‌شوند. اینان در هر جایی که مردم گرد آمده باشند، بر منبرهای بلند می‌شدند و با حرارت تمام و سخنان گیرا، خصوصیات... امام بزرگ خویش را بیان می‌کنند...» (فیگوئروا، ۱۳۶۷، ص ۳۰۷)

بر پایه این نوع نگرش‌ها، در طول حکومت صفوی، پادشاهان صفوی به مقابر و آرامگاه‌های ائمه (ع)، امام زاده‌ها و بزرگان تصوف توجه ویژه‌ای داشتند. در نگرش نخست، این امر به لحاظ رسمیت‌بخشیدن به تشیع و جنبه دین‌داری صفویان، بدیهی می‌نماید (رنجبر، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶). صفویان خود به زیارت امامان شیعه، به ویژه امام رضا (ع) اهتمام داشتند، خاصه مشهد که یکی از حصارهای شیعی در مقابل ازبکان و ترکمانان محسوب می‌شد (امورتی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۲). شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰-۹۰۷)، مؤسس سلسله صفوی، در سال ۹۱۴ پس از فتح بغداد به سمت کربلا و حرم امام حسین (ع) رفت و هدایایی گران بهایی به آستان مبارک تقدیم کرد؛ همچنین هدایا و نذورات فراوان به خادمان و مجاوران حرم اهدا کرد (امینی هروی، ۳۰۰-۳۰۱). اوتر نیز در سفرنامه‌اش به این موضوع اشاره کرده است: صفویان خود به زیارت امامان شیعه، مخصوصاً امام رضا (ع) و امام حسین (ع) اهتمام داشتند؛ ساختمان‌ها و بناهای زیبایی در سامرا بنا کرده‌اند و مبالغ هنگفتی را به این بارگاه اهدا کرده‌اند (اوتر، همان، ص ۶۶).

شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴)، پادشاهی متعصب در امور مذهبی معرفی شده است. او از سویی، تقدم عالمان را در امور دینی رعایت می‌کرد و از سویی دیگر، در رواج هنجارها و رفتارهای متناسب با احکام شرع می‌کوشید. در این میان، توبه‌های او معروف است. وی به‌رغم حکومت طولانی‌اش، به ظاهر فرصت و قصد کمتری در انجام سفرهای زیارتی داشت و در مقایسه به شاه‌عباس اول، در این مورد خبرهای اندکی از او رسیده است. دو سفر زیارتی او به مشهد در سال ۹۳۴ و ۹۳۹، به دنبال ضرورت لشکرکشی به آن منطقه و نبرد با ازبکان بود (رنجبر، همان، ص ۱۵۹). شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶) نیز در سال

۱۰۳۲، پس از فتح بغداد به نجف و سپس با پای پیاده به کربلا رفت. وی همچنین در سال ۱۰۳۳، یک بار دیگر عازم زیارت کربلا شد و از آنجا به نجف و کاظمین، جهت زیارت مشرف شد (ترکمان، همان، ج ۳، ص ۱۶۷۹-۱۶۸۰). وی هرگاه که در خراسان بود، به زیارت مقبره امام رضا(ع) می‌رفت، شب زنده‌داری می‌کرد و کارهای خدام، چون جارو کشیدن فرش‌ها و خاموش کردن شمع‌ها را خود انجام می‌داد تا ارادت خود را نشان دهد. او در سال ۱۰۰۹، زیارت مشهور خود را با پای پیاده از اصفهان تا مشهد، در عرض ۲۸ روز انجام داد. (سیوری، ۱۳۷۴، ص ۹۷)

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۷

از میان پادشاهان صفویه، شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸) نیز بعد از به قدرت رسیدن و برای سروسامان دادن به امور عراق و مقابله با حمله احتمالی عثمانی در سال ۱۰۳۹، راهی عراق شد. وی نیز چندین بار به زیارت حرمین شریفین نائل آمد و هدایا و نذورات فراوانی به خادمان و مجاوران حرم بخشید (خواجگی اصفهانی، ص ۱۰۶-۱۰۸). کارری که در اواخر عصر صفوی به ایران سفر کرده، در مورد ماه محرم و عزاداری آن نوشته است که در تمام این مدت، میدان‌ها و گذرگاه‌ها چراغانی و روشن و علم‌های سیاه در همه‌جا افراشته می‌شد و مردم به نشانه عزا، لباس سیاه بر تن کرده بودند (کارری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۴-۱۲۵)؛ همچنین شاه‌طهماسب دوم که مانند پدرش تمایلات مذهبی داشت، زیارت ضریح امام‌رضا(ع) را وظیفه خود می‌دانست؛ چراکه پادشاهان ایران، همیشه خود را موظف می‌دانستند که یک‌بار در عمر خویش، به زیارت این ضریح بروند (هنوی، ۱۳۷۶، ص ۳۰).

انعکاس‌گرایی‌های مذهبی جامعه در رفتارهای نادر

گرایی‌های مذهبی هر مورخ، با مطالعه آثار آنان به دست می‌آید و متون نوشته شده در هردوره، انعکاس‌دهنده وضعیت آن جامعه است. از خلال مطالب و نوشته‌های مورخان، می‌توان به خاستگاه فکری و گرایش مذهبی‌شان پی‌برد. تعصب مذهبی هر مورخ، تا حدی بازتابی از شرایط و اوضاع جامعه است که در بینش او تأثیر می‌گذارد. اختلاف مذهبی زیاد عصر نادری و عملکرد تعصب‌آمیز، به‌حدی بوده است که می‌توان آن را یکی از علل تشنجات فکری، جو ناآرام اجتماعی، مشکلات اقتصادی و از موجبات تضعیف سیاسی و از موانع پیشرفت فرهنگی و علمی این دوره دانست. براین اساس، می‌توان برای دوره مورد

پژوهش، ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی برشمارد: نخست آنکه این عصر، عصر ستیزه‌جویی و تلاش میان مدعیان مختلف، برسر دستیابی به قدرت است؛ دیگر اینکه بی‌ثباتی سیاسی، سبب به هم ریختگی ساختارهای قومی و قبیله‌ای و طرح ادعاهای متفاوت شده است. این شاخصه‌ها را می‌توان در رفتارهای نادر قبل و بعد از به قدرت رسیدن که در متون تاریخ‌نگارانه بازتاب یافته است مشاهده کرد. نادر زمانی که هنوز به سلطنت نرسیده بود، پایبندی خود را به تشیع نشان می‌داد؛ از جمله در سال ۱۱۴۵، زمانی که در هرات مشغول جنگ با ابدالیان بود، تهماسب از غیبت او استفاده کرده و برای ابراز وجود و خودنمایی، به جنگ با ترکان عثمانی رفت و شکست خورد؛ لذا قراردادی مبنی بر واگذاری سرزمین‌های شمالی ارس به ترکان و پنج محال از ایالت کرمانشاه، با احمدشاه، حاکم بغداد امضاء نمود و از اسرای ایرانی هم سخن به میان نیاورد. نادر این رویداد را بهترین فرصت برای نزدیک شدن به هدف نهایی خود، یعنی سلطنت دانست (فتح الله پور، ۱۳۷۵، ص ۶۸). او برای اینکه قبح قرارداد و عمل شاه را به بزرگان و رعایای ایرانی یادآور شود، به مذهب متوسل شد و چنین معاهده‌ای را خلاف حکم خدا و محبت علی (ع) می‌داند، که ملائکه حول حرم او همیشه استخلاص شیعیان او را از شر دشمنان او، از درگاه خداوند مسئلت می‌کنند (ملکم، ۱۳۸۰، ص ۴۷۲). نادر، کسانی را که در جنگ علیه نیروهای عثمانی شرکت نکنند، مستحق عقوبت الهی دانسته و آنان را از جرگه مسلمانان خارج می‌کند و در جایگاه دیگری از مذهب به‌شمار می‌آورد. چنین به نظر می‌رسد که هدف نادر از تحریک تعصبات شیعی، تسهیل در نیل به مقاصد سیاسی خود بوده است؛ زیرا بدین صورت، موفق به اتحاد اکثریت شیعیان بر ضد دشمن سنی مذهب خود می‌شد و درعین حال، از وجهه شاه‌تهماسب نیز کاسته می‌شد (لکهارت، ۱۳۳۱، ص ۸۶-۸۷).

همچنین در همین دوره، از نادر وقف‌نامه‌ای مربوط به سال ۱۱۴۵ باقی مانده است؛ یعنی زمانی که حکومت خراسان را به عهده داشت. طبق وقف‌نامه، نادر مستغلاتی را تحت شرایطی وقف نموده که توجه به محتوای آن، از نقطه نظر بررسی اعتقادات مذهبی وی و خاندانش، بسیار ارزشمند است. در وقف‌نامه، نادر به‌عنوان «فاتح ابواب فتح و ظفر و مروج اثنی‌عشری» معرفی شده و مقرر شده است که عایدات کل املاک، رقبات، مزارع و دکاکین

موقوفه - همگی تقریباً در مشهد مقدس و اطراف آن واقع شده‌اند - که درآمد دو ساله آن حدود ۲۵۰ تومان تبریزی می‌شود، صرف مخارج ذیل گردد:

۱. مخارج حرم امام رضا (ع)، اعم از مخارج سقاخانه، فرش، پیه و شمع و مستمندان و فقرای آن و عزاداران تاسوعا و عاشورای حسینی.
۲. مخارج حق تولیت، حق استیفا، حق النظاره و سهم حکومتی.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۹

در این وقف‌نامه، حق تولیت، به ترتیب به رضا قلی میرزا و اولادش، برادران صلیبی او، اولاد ابراهیم خان ظهیرالدوله (برادر نادر) و نهایتاً متولیان آستان قدس رضوی داده شده است (شعبانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸). بازن، پزشک مخصوص نادر هم با اشاره به ارادت مردم ایران به بارگاه امام رضا (ع) نوشته: مردم ایران مانند طواف خانه خدا، طواف حرم امام رضا (ع) را بر خود واجب می‌شمارد و در طول عمر، حداقل یک‌بار به زیارت ایشان می‌روند (بازن، ۱۳۶۵، ص ۴۹). گلستانه، به مَهری اشاره می‌کند که چهار گوشه بوده و تاریخ حک آن، ۱۱۴۴ بوده و روی آن، این بیت نقش بسته است:

لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار نادر عصم ز لطف حق غلام هشت و چهار
(گلستانه، ۱۳۴۴، ص ۳۸۶).

در دوره نادر، مراسم عزاداری ایام محرم در میان مردم و نظامیان نادر برگزار می‌شده است. هنوی با اشاره به این مراسمات، گزارش می‌دهد که نیروهای نظامی در زمانی که نادر برای فتح دهلی به هندوستان رفته بود، با توجه به هم‌زمانی این جنگ با ماه محرم و همچنین منع نادر از برگزاری مراسم ماه محرم، به دلیل اتحاد بین نیروهای نظامی، سربازان نادر در اردوگاه خارج شهر طبق آیین دیرینه بر سر و سینه کوبیدند و گریه و زاری کردند و مراسم ماه محرم را با شکوه برگزار نمودند (هنوی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۳). عبدالباقی خان، نماینده ایران در استامبول است که با علمای دینی ترکیه، پیرامون عزاداری ایام محرم بحث و فحص داشته و در گفتگو، آنان را مغلوب و مجاب کرده بود. این مطلب نشان می‌دهد که تا این زمان هم مراسمات مذهبی ایام عزاداری، به صورت مستمر برگزار می‌شده است؛ همچنین این مسئله را می‌توان از شروطی که عثمانی‌ها برای ایرانی‌ها گذاشتند، متوجه شد؛ زیرا که یکی از شروطی که عثمانی‌ها داشتند، این بود که ایرانی‌ها در این مناسبت شرکت نکنند (همان، ص ۱۵۷).

مقایسه و گزینش روایات، از نگاه مروی و استرآبادی

از جمله منابع تاریخ‌نگارانه‌ای که اعتقادات مذهبی و ارادت نادرشاه افشار به امامان شیعه را مورد توجه قرار داده، عالم‌آرای نادری، نوشته مروی است. مؤلف کتاب خود را مروی، وزیر دارالملک مرو و در جای دیگر، وزیر توپخانه، جباخانه، شترخانه، قاطرخانه و قورخانه می‌نامد (مروی، همان، ج ۳ ص ۹۷۷، ۱۰۸۵). اعتقادات مذهبی مروی را از لابه‌لای عبارت پردازی‌ها و لفافه‌بازی‌های عالم‌آرای نادری می‌توان پی‌برد. مروی، فردی مذهبی، معتقد و با ایمان بود و این را از نوشته‌هایش می‌توان پی‌برد. وی همواره آرزوی زیارت مرقد امام سوم (ع) را داشته و چنین می‌نویسد: «... الهی به حرمت محمد و آل محمد، که جمیع مسلمانان و آرزویشان آن روضه جنت نشان، خصوصا مؤلف این اوراق را که پیوسته در آرزوی عتبه علیّه سیدالشهدا می‌باشد، به آن شرف عظمی مشرف گرداند.» وی در جای دیگر چنین می‌نویسد: «... و مسود این اوراق، ... همیشه اوقات، در آرزوی زیارت عتبات عالیات می‌باشد» (مروی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۹، ۴۳۵). مروی، خانواده نادر و نیروهای نظامی وی را دارای اعتقادات مذهبی می‌داند، به طوری که رضاقلی میرزا، صبح تا شام به زیارت امام رضا (ع) مشغول بود (همان، ص ۲۳۹). مروی، جای‌جای کتابش خواسته که نادر را فردی مذهبی و مقید به دین نشان دهد و می‌نویسد که نادر هرگاه وارد مشهد می‌شد، به زیارت امام رضا (ع) می‌رفت و در آنجا گریه و زاری می‌کرد و به درگاه خداوند استغاثه می‌نمود و بعد از پرداخت نذورات، آنجا را ترک می‌کرد (همان، ۱۶۰، ۱۶۹، ۲۰۰، ۱۷۳، ۸۲۶، ۸۲۷). نادر قبل از رفتن به هرات در سال ۱۱۴۵، با خود عهد بسته بود که بعد از تسخیر هرات، گلدسته‌های حرم امام رضا (ع) را به طلا زینت دهد و چون پیروز شد: «... شعشعه قوت دین اثنی‌عشری، یوم به یوم تزاید شده، اعتقادات اکثری از نامفیدان، اضافه بر اول گردد و حسن ارادت این غلام عقیدت فرجام، شاید بر کحل قدم زوار این امام مشرقین و مغربین ظاهر... و روسرخ دنیا و تحصیل عقبی به عمل آید...» نادر هم مانند پادشاهان قبل از خود، برای تعمیر و ساخت گلدسته اقدام کرد. افرادی مانند شاهرخ تیموری و امیرعلیشیرنوایی نیز، گلدسته‌ها را تعمیر و به زیور طلا مزین کرده بودند. نادر نیز در مقابل گنبد شاهرخ، گلدسته‌ای بنا کرد و در عرض یک سال، تحت نظر بهترین استادان و معماران به سرپرستی استاد علینقی مشهدی، آن را تمام

نمود؛ از این رو آن گلدسته را، گلدسته نادری نامیدند» (همان، ص ۱۶۰، ۲۰۳ - ۲۰۱). بعد از اینکه گلدسته نادری به اتمام رسید، نادر با چشمانی گریان، طلب مغفرت و توبه کرد و بعد از نذورات فراوان، از مشهد بیرون رفت (همان، ص ۱۶۹). حتی زنان حرم نادر هم، اردات خاصی به امامان داشتند. در زمانی که نادر به همراه زنان و تعداد محدودی از سواره نظام محافظ برای زیارت اماکن مقدس شیعی، چون کاظمین، کربلا و نجف رهسپار شده بود، زنان همراه او، به این اماکن مقدس اعانه‌های سخاوتمندانه‌ای دادند. راضیه بیگم، دختر شاه سلطان حسین صفوی، مبلغ هنگفتی برای ترمیم آرامگاه کربلا اهدا کرد. گوهرشاد، دختر باباعلی خان نیز مبلغ چشم‌گیری برای طلاکاری گنبد حرم نجف، پیشکش کرد (اکسورثی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۶). اردات خاندان نادرشاه به امامان شیعه، همیشگی بود؛ مخصوصاً به امام رضا (ع) که مأمّن و پناهگاه آن‌ها بود؛ حتی گلستانه در کتاب مجمل‌التواریخ، به این مورد اشاره کرده و از اردات شاهرخ افشاری و نصرالله میرزا به امام رضا (ع)، چنین نوشته است: «... حضرت شاه‌رخ ... پناه به روضه رضویه امام‌الجن و الانس علیه الصوات و اکمل التحیات برده، نصرالله میرزا هم به بقعه‌بوسی روضه رضویه، سلطان‌الاولیا علیه التحیه و الثنا مشرف گردید و به عتبه‌بوسی پرداخت (گلستانه، ۱۳۴۴، ص ۹۹).

کتاب جهان‌گشای نادری، کتابی است که در دوره نادر، توسط میرزامهدی خان استرآبادی به نگارش درآمده است. مؤلف در این کتاب، با پیروی از سبک و سیاق شهاب‌الدین عبدالله شیرازی در کتاب وصاف‌الحضره، اطلاعات ارزشمندی در مورد رخدادهای سلسله افشاریه، به‌خصوص رویدادهای هم‌زمان با نادر ارائه داده است. در کتاب جهان‌گشا، مؤسس سلسله افشاریه به‌عنوان «ناجی مملکت» و «حامی ایرانیان» معرفی شده است. استرآبادی، برخلاف روش معمول، متن خود را با مطلع مذهبی آغاز نمی‌کند؛ بلکه با وام‌گیری از اندیشه سیاسی خواجه نظام‌الملک در سیاست‌نامه، به تدبیر خداوند برای سامان‌دادن اوضاع پریشان جهان و برگزیدن شخصی به فرمانروایی اختصاص می‌دهد و پس از ذکر این مجمل و ذکر عبارت «مصدق این مقال» و ارائه توصیفات مکرر و فراوان، نام نادر را ذکر می‌کند که پس از نابسامانی اوضاع و پایمال شدن «تخت ایران» که منجر به شورش‌های مختلفی در سراسر

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

کشور شد، بنابر حکمت الهی، موجبات ظهور او فراهم شده است (استرآبادی، ۱۳۷۷، ص ۹). جهان‌گشای نادری، یک اثر سلسله‌ای یا سلاطینی است که بیانی حماسی دارد. مؤلف در نوشتن این کتاب، صرفاً یک وقایع‌نگار است، نه تحلیل‌گر؛ اما وقایع‌نگاریست که بر قلم چیرگی کامل دارد. او در روایت ارزشی و ذهنی رویدادها، هیچ‌گاه به بیان ریشه‌ها و علل نمی‌پردازد. در واقع او به توصیف رویدادها دست می‌زند؛ نه به تبیین علی‌حوادث. به نظر می‌رسد که کار اصلی میرزا، نوشتن رویدادهای مختلف زمان نادر بوده است. تأیید این مطلب، کلام میرزا در مقدمه کتاب جهان‌گشا می‌باشد که خویش را «از چاکران حضور و به ضبط وقایع، مأمور»، توصیف می‌کند (استرآبادی، ۱۳۶۸، مقدمه). اطلاعاتی که نویسنده جهان‌گشا از جزئیات امور مهم و تصمیم‌گیری‌های سریع نادر (رکن قدرتی جامعه) می‌دهد، مبین حضور او در متن حوادث بوده است؛ برخلاف محمدکاظم مروزی که اخبار را از کسان و مرتبطان و راویان دور و نزدیک کسب می‌کرد. نظری سریع بر ارقام و فرامینی که در مخازن انشاء و منشآت از میرزا به جا مانده، حتی بدون اعتناء به تاریخ صدور آنها، مبین حضور او در بسیاری از جریان‌های فعال سیاسی وابسته به رکن قدرت است. وی نادر را با عنوان مظهر قدرت الهی، این چنین می‌ستاید: «همایون فال، اعلی حضرت قدر قدرت قضای توان، سکندر حشمت دارا دربان، مظهر قدرت الهی، رواج دهنده سکه پادشاهی، فرازنده رأیت کشورگشایی، برازنده تخت فیروزبخت جهان‌آرایی، زوربازوی و خصم افکنی و دلیری، جوهر شمشیر گیتی‌ستانی و مملکت‌گیری، سروری که از سهم خدنگش، سطح زمین از چرخ برین، سپهر برسر کشیده و بلنداختری که از بیم رمح فلک شکافش، سپهر برین شکم خود دریده...» (استرآبادی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۲).

بر این اساس، هرچند سیاست‌های مذهبی نادر در جهت اسلام تلفیقی براساس آموزه‌های امام جعفرصادق (ع) موافق جامعه روحانیت نبود، اما نمی‌توان اقدامات نادر و موقوفات وی برای عتبات و زیارت آن‌ها را نادیده گرفت. نادر با انتخاب اسامی شیعی برای فرزندان، مانند: رضاقلی، امامقلی، مرتضی‌قلی و نصرالله میرزا، ارادت خود را نسبت به امام‌علی (ع) و امام‌رضا (ع) نشان داده است (اروجی، ۱۳۹۷، ص ۴۴). مشاهده می‌شود که ایدئولوژی‌ها، همواره تلاش می‌کنند رنگی را به افراد بدهند که خود به آن رنگ هستند. بینش

ایدئولوژیک، باید يك کار وسیع آفرینش صورت دهد تا تنوع را در وحدت بگنجانند و تفاسیر را در قالب امور روزمره بازسازی کند (پین، ۱۳۸۲، ص ۶۶). ایدئولوژی‌ها از منظر ایده‌ها، جامعه را يك کاسه می‌کنند و تمامیت می‌بخشند (همان، ص ۶۹) و به نوعی تعبیر خویش از تاریخ و اخلاق و... را، جایگزین تعبیر افراد می‌کنند. در چنین حالتی، این ایدئولوژی‌ها هستند که به جای فرد، به تفکر خواهند پرداخت (صدیقی ناصر و عارف نریمانی، ۱۳۹۰، ص ۱۹).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۳

جهاد و غازی‌گری، عاملی در پروسه مشروعیت‌سازی نادر

تاریخ‌نگاری دوره افشاریه در امتداد تاریخ‌نگاری عصر صفویه و تحت تأثیر دگرگونی‌های مذهبی و ورود آموزه‌های شیعی در متون تاریخی قرار گرفت. سنت‌های مختلف شکل گرفته در عصر صفوی، در سنت‌های تاریخ‌نگاری افشاریه تداوم پیدا کرد. با توجه به اینکه گزارش یک واقعه از منظر یک وقایع‌نگار، بازتاب تمایلات شخصی و نیز دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی - مذهبی و نظام حاکم بر جامعه اوست، پررنگ کردن مذهب تشیع و اقدامات نادر که بخش مهمی از کتاب عالم‌آرای مروی را تشکیل می‌دهد، در جهان‌گشای نادری کنار گذاشته شد و گزارش وقایع روایات، بیشتر به توصیف اعمال نادر و درگیری‌های نظامی وی گرایید. استرآبادی پس از ذکر شروط پنج‌گانه نادر در شورای مغان که به منزله اعلان رسمی حکومت او بود، اظهار می‌دارد که «... پس اهالی ایران در ازاء این مواهب خاص، سرزمین عبودیت را به نقش جبین گل‌ریزان ریاحین شکرگذار کرده به دعای بقای دولت و اقبال خدیوی همال پرداختند (استرآبادی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۰). استرآبادی از مخالفت هیچ‌یک از علما سخن نمی‌گوید. وی نوشته است: نادر قصد داشت تا مقاصد خود را به هر طریق که میسر باشد پیش ببرد و شاید هم بیش از هر چیز، در صدد بود که مقامات لشکرکشی سال آینده خود به عثمانی را فراهم گرداند. از این‌رو علمای برجسته و مسئولان قدر اول مذهبی کشور، اعم از سنی و شیعه را از کابل تا پیشاور گرد آورد تا در حضور او قبول کنند که اختلاف عمده‌ای میان دو رکن سنت و تشیع نیست (همان، ۳۷۵-۳۷۳). استرآبادی بدون هیچ اشاره‌ای به اختلاف موجود بین سران، امرا و علمای تشیع و تسنن، در امر عدم اختلاف میان دو رکن تشیع و تسنن، تمام بزرگان و علما را در پذیرش و اطاعت از امر نادر، متفق‌القول نشان

می‌دهد. وی عامل دیگر حقانیت نادر را در مقابل عثمانی‌ها، تداوم سنت مقدس غازی‌گری در امر تقویت اسلام توسط وی بیان می‌کند. این استدلال، بازخوانی محوریت جهاد مذهبی در نگاه استرآبادی را در پروسه مشروعیت‌سازی داخلی برای نادر تأیید می‌نماید. به نظر می‌رسد، دلیل این سکوت و حاشیه‌رانی، عدم تمایل وی در سخن از مسائلی باشد که ممکن است جایگاه و اقتدار مطلق نادر را زیر سؤال ببرد. این در حالی است که چند سال بعد، زمانی که نادر جهت تصرف قلعه بغداد رفته بود، افغان‌هایی که در رکاب نادر بودند، بعد از پیروزی، مورد لطف و عنایات وی قرار گرفتند (همان، ص ۲۰۰). استرآبادی تلاش می‌کند، حملات نادر را مشروعیت دهد؛ براین اساس، انگیزه اقتصادی را در حملات وی به‌عنوان هدف اصلی، نادیده گرفته و به حاشیه رانده است.

در جهان‌گشای نادری، از نقش علما در سلطنت نادر، جایگاه اجتماعی و روابط آنان با دولت سخنی نیست؛ بلکه استرآبادی بیشتر درصدد است که صحت وقایع را رعایت کند و مواردی را هم که برخلاف نادر و عملکرد وی است، در تاریخ خود به سکوت برگزار کند؛ البته وی پند و اندرز را به‌صورت آیات، شعر یا نثر که شاید از تأکید وی بر ارزش‌های اخلاقی ناشی شده باشد، در اثر خود آورده است؛ با این وجود، استرآبادی هم مانند مروی، از کسانی که به نبرد با افغان‌ها، ترکمن‌ها و بلوچ‌ها که سنی‌مذهب بودند، می‌رفتند، با عنوان غازیان یاد می‌کند و آنان را مجاهدین اسلام می‌داند؛ به‌عنوان مثال در جنگ با افغان‌ها، سپاه نادر را غازی دانسته و با استناد به آیات قرآن، چنین نوشته است: «... به الطاف قادر منان، افغانه هرات را از دم شمشیر غازیان غضنفر فر و بهادران اژدها «کانهم حُمُرُ مُسْتَنْفَره فُرت من قسوره»، فراری داده ... (همان، ص ۱۷۵-۱۷۶).

نگاه ایدئولوژیک در تاریخ‌نگاری مورخ دیگر این دوره، یعنی محمدکاظم مروی، موجب می‌شود حقیقت تاریخی در هاله‌ای از پیشداوری‌ها و ابهام‌های برخاسته از مواضع ایدئولوژیک، پنهان شود و مورد غفلت یا بی‌اعتنایی قرار گیرد. در نگاه ایدئولوژیک به تاریخ، رخدادهای تاریخی و معرفت تاریخی محض حاصل از آن‌ها، فی‌نفسه دارای ارزش و اهمیت نیست. در این فضا، تاریخ به عرصه‌ای تبدیل می‌شود که هرگروه، طبقه یا حزب سیاسی، جهت توجیه اعمال یا کسب سلطه، به تاریخ رجوع

کند و بخش مهمی از دعاوی و مدعیات ایدئولوژیک خود را در عرصه تاریخ و تاریخ نگاری نشان دهد. از آن موارد، مقابله با بحران‌ها، از جمله بحران ناشی از حمله دشمنان است. نبردهای ایران و عثمانی عهد نادر، یکی از گرفتاری‌های جهان اسلام بود. مروی از کشته‌های نیروهای ایرانی در جنگ با عثمانی‌ها، با عنوان شهید یاد می‌کند و از عثمانی‌ها، با واژه‌های همچون «کوفیان بی‌وفا» و «شامیان دغا»، نام می‌برد تا چهره دشمن (عثمانی) و غیربودن آنان را برجسته کند و جنگ با آنان را ضرورت اجتناب‌ناپذیر بنمایاند؛ چراکه با اهمیت‌ترین رقیب خارجی ایران در دوره نادر به حساب می‌آید و جنگ با عثمانی، مهم‌ترین واقعه دوره نادر را شکل داده است؛ زیرا سبب توقف چندین ساله حملات عثمانی در مرزهای غرب شد. در اینجا نیز مروی با تأکید بر سنت غازی‌گری و روحیه جهادی نادر، نبرد با عثمانی را به‌عنوان غیرخودی و کافر مذهب، نه تنها بسیار مشروع، بلکه لازم‌الاجراء و وظیفه شرعی بیان می‌کند. مروی با نگاه مذهبی، نیروهای عثمانی را در مقابل نیروهای ایرانی در جنگ کرکوک، به سپاه یزید در مقابل امام حسین تشبیه می‌کند و اینکه سپاه عثمانی مانند کوفیان بی‌وفا و شامیان دغا که آب را بر آن امام مسدود کرده بودند، آن‌ها نیز اطراف آب را احاطه کردند تا آب به نیروهای ایرانی نرسد (امینی، ۱۳۹۶، ص ۲۲). وی در این مورد، چنین نوشته است: «... چون کوفیان بیوفا و شامیان دغا که آب را بر روی مبارک پرنور و پرفتوح سیدشهدا مسدود نموده بودند...» (مروی، ج ۱، ص ۳۰۵)؛ همچنین در لابه‌لای روایت جنگ، مروی بارها با برجسته‌سازی مقام غازی‌گری نادر در برابر عثمانی، مشروعیت سازی می‌کند. مروی در توصیف جنگ‌هایی که نادر در تنگنا قرار می‌گیرد و در برابر دشمن احساس ناتوانی می‌کند، نوشته است: نادر روی نیاز به درگاه خدا می‌آورد و به خاک می‌افتد و به مناجات و استغاثه می‌پردازد و پیروزی را از خدا می‌خواهد. این مناجات و راز و نیاز نادر با خدا، در تمام جنگ‌های وی از سوی مروی بازتاب داده شده و به‌عنوان عامل مهمی که نشانه مشروعیت‌سازی برای نادر بوده، بر کل روایات متن، سایه افکنده است. این اقدام مروی، نشان از عدم تعرض وی به اشتباهات نادر و مشروعیت‌بخشی مبتنی بر قداست‌سازی برای مقام وی است.

مروی به مانند مورخان درباری، مقام نادر را در بالاترین درجه قرار داده و مشاهده می

شود، حتی زمانی که اشتباهی از وی سر می‌زند، با آوردن ادله، سعی دارد تا اشتباهات وی را توجیه کند. نمونه بارز این امر را می‌توان در روایت وی از ماجرای توصیف جنگ‌های نادر، زمانی که نادر در تنگنا قرار می‌گیرد و در برابر دشمن احساس ناتوانی می‌کند، مشاهده نمود؛ مانند: «صاحبقران ... خود را از مرکب به زیر انداخته، از راه عجز و انکسار، تاج اعتبار از فرق افکنده، روی مذلت بر خاک مالیده، صورت فتح و ظفر را از درگاه صمدیت الهی مسئلت نموده ...» (همان، ج ۱، ص ۳۳۰). مروی در ذکر لشکرکشی نادر به هند، چنین می‌نویسد: «شب قبل از جنگ، به راز و نیاز با خدا پرداخته و با دیده اشکبار و خونین، از درگاه خداوند طلب فتح و نصرت می‌کند. وی در این باره، چنین نوشته است: «و در آن شب فیروز کوکب، حضرت صاحبقران خیمه عبادت بپا کرده و در میان خیمه به عبادت معبود خود مشغول می‌بود و ... از درگاه وهاب عطیات، طلب فتح و نصرت می‌نمود و اشک خونین از دیده اندوگین می‌بارید...» (مروی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۱۹). مروی در جای دیگر چنین نوشته است: «خاقان دوران ... اشک گلگون از دیده پر خون ریخته، رخسار بی مثال خود را بر زمین مالیده، به درگاه بی‌همتا و قادر توانا نالیده ...» (همان، ص ۷۲۴). از آنجا که مروی به‌عنوان یک مورخ متعصب و پایبند به اسلام و تشیع، هرگز نمی‌خواهد به قداست مقام نادر کوچکترین تعرض شود، به چگونگی ورود نادر به هند و کشتارهایی که توسط سپاه وی صورت می‌گیرد، نمی‌پردازد. او اشاره‌ای، هرچند مختصر هم نکرده و آن را با رندی تمام پوشانده است. وی محور بحث را حول راز و نیاز نادر با خدا قرار داده و در قالب یک داستان از نفوذ و تأثیر دعا‌های نادر به‌عنوان عامل اصلی، از امر مقدس جهاد به‌صورت مفصل و طولانی سخن گفته است. به‌نظر می‌رسد دلیل این سکوت و حاشیه راندن، عدم تمایل وی در سخن از این مسائل باشد که ممکن است جایگاه و اقتدار مطلق سلطان را زیر سؤال ببرد.

عتبات عالیات، نقطه محوری در مشروعیت‌سازی حاکمیت نادر

برایند کلی گزارش مورخان عصر افشاری از نادر در حوزه عتبات عالیات، وظایفی برای او قائل هستند که گزارش‌های دقیق زیبایی از آن داده شده است. مروی در پیوند تاریخ‌نگاری درباری خود از حاکمیت نادر، پای ارادت نادر را به امامان شیعه، به میان می‌آورد و نادر را

**پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع**

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۷

در مقام وظیفه و ارادت نسبت به امامان شیعه قرار می‌دهد؛ همچنین نقطه محوری در مشروعیت‌سازی حاکمیت نادر را توجه شاه به عتبات قرار داده؛ آن‌گونه که در گزارش‌های خود، نشان می‌دهد که: «چشم اشک‌بار و دل غم‌گسار به زبان نیاز عرض حاجات» به‌عنوان اقدامات نادر، بهبود بخش امور است. در گزارش‌های مروی از زیارت عتبات عالیات توسط نادر، دو عنصر «روی نیاز» و «چشم اشک‌بار و دل غم‌گسار»، به‌خوبی در جایگاه خود هویدا هستند. مروی آن را چنین توصیف کرده است: «... و بعد از وصول به آن مشهد عنبرسا و مرقد جنت‌آسا، شرایط زیارت را چنان که باید و شاید به عمل آورده، روی نیاز به آن تربت با رتبت سوده، با چشم اشک‌بار و دل غم‌گسار، به زبان نیاز عرض حاجات ساز کرده، از روحانیت مطهره اباعبدالله الحسین و آن نوره دیده سید کونین و سایر شهدا، استمداد نمود و از بار انعام و نذور و عطایا و مطایای امانی و آمال مجاوران و خدام آن عتبه علیّه عالی مقام را گران‌بار ساخته، همگنان را به صلوات عاطفت نوازش فرمود و از اجناس نفیسه و گلابتون و ... چهارده قندیل تمام عیار، مدور به جواهرات، از قبیل دانه‌های زمرد و یاقوت و الماس و ... نصب نمود و چهار قبه والا، به دور مرقد با صفا، نصب و مساحت آن روضه خلد آیین را از فروش ابریشمی، چون بهشت برین، مزین ساخت و مناره که پیراهن آن عتبه سدره مرتبه، هریک از پادشاهان ایران ساخته بودند، به مژگان اخلاص رفته، همگی را به فرش‌های گوناگون و زیورهای از عقل بیرون بیاراست و جهت زوار و مجاوران آن روضه جنت آثار، از اطعمه و اشربه فراوان و حلویات بی پایان، آن مقدار مقرر داشت که متوطنان و سکنه آن سدره بلند مکان را از تنفیص راتبه هرروز، مطمئن خاطر گردانید» (همان، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۴).

اعتقادات مذهبی مروی را از لابه‌لای عبارت‌پردازی‌ها و لفافه‌بازی‌های عالم‌آرای نادری می‌توان پی‌برد. او ضمن توصیف اطلاعات بسیار ارزش‌مندی از اوضاع مذهبی، سیاسی، اجتماعی که بر اهمیت کتاب وی می‌افزاید، در حوزه مسائل مذهبی، برای حکام و سلاطین وظایفی قائل است که می‌توان، مکمل مباحث پیشینی در باب ارادت به امامان شیعه از سوی نادر دانست.

مروی برخلاف استرآبادی که به مذهب نادر و اقدامات مذهبی وی اشاره‌ای جزئی کرده، در جای‌جای سه جلد کتابش خواسته که نادر را فردی مذهبی و مقید به دین نشان دهد. مروی

از اینکه نادر هرگاه وارد مشهد می‌شد، به زیارت امام‌رضا(ع) می‌رفت (همان، ج ۱، ۱۶۰، ۱۶۹، ۱۷۳، ۲۰۰، ج ۳، ۸۲۶، ۸۲۷) سخن می‌راند. او حتی از اینکه نادر پیش از فتح شیراز، نذر کرده بود که پس از شکست دشمن، تعمیراتی در شاه‌چراغ بنماید، چنین می‌نویسد: پس از کامیابی، مبلغ ۱۵۰۰ تومان برای تعمیرات بقعه و گنبد و یک عدد قندیل طلا، به وزن یک من و دویست و ده مثقال با زنجیر نقره، به بارگاه احمدی شاه چراغ اهدا نمود (کلانتر فارس، ۱۳۶۲، ص ۶).

همچنین مروی، پیرامون تعمیر و زینت گلدسته‌های حرم امام‌رضا (ع) به طلا، به دستور نادر و تأثیر آن در فتح هرات در سال ۱۱۴۵ می‌پردازد و می‌آورد: «... شعشعه قوت دین اثنی‌عشری، یوم به یوم تزاید شده، اعتقادات اکثری از نامفیدان، اضافه‌بر اول گردد و حسن ارادت این غلام عقیدت فرجام، شاید بر کحل قدوم زوار این امام مشرقین و مغربین ظاهر... و روسرخ‌ی دنیا و تحصیل عقبی، به عمل آید...» مروی با وجود پرداختن به تاریخ رسمی افشاریه، به سبب نگاه مذهبی که داشته، در کنار توجه به امور حکومت، پیرامون تاریخ و سیاست نادر، وضعیت امور مذهبی جامعه را نیز به تصویر کشیده است. او از این شیوه برای تحلیل و ریشه‌یابی ابعاد مختلف بستر اجتماعی زمانه خویش، به فراخور حوادث، بهره گرفته تا تحلیلی جامع از عصر خویش ارائه کند. نتیجه این امر، سبب شکل‌گیری رویکردی مذهبی به مسائل سیاسی در اثر وی، در جهت راهنمایی حکام برای اصلاح جامعه شده است. او تا حدودی در جهت واداشتن نادر به اجرای عدالت، قدم برداشته که نتیجه آن، استواری حکومت وی می‌باشد.

مروی با طرح این‌گونه روایات، سعی دارد سلاطین را در جهت تقرب به امامان شیعه تشویق کند. وی با تمجید نادر، پیرامون راز و نیازهایش در زیارت بارگاه امامان شیعه و کارهای عمرانی و آبادانی این مراکز، چنین گزارش می‌دهد: بعد از تصرف بغداد، «صاحبقران زمان ... به عزم زیارت و عتبه‌بوسی، درگاه ملائک‌پناه، سابع ائمه طاهرین (ص) امام موسی کاظم (ع) را به قدم ... پیموده، به قرب وصول آن روضه مقدسه و مشاهده شعشعه انوار قدیسه ... از آنجا به اعانت هادی، توفیق احرام طواف مرقد‌گردون مطاف آن حضرت بسته، به آداب پسندیده، پیاده عزم گردید... بعد از مبانی آداب زیارت، تصدقات و خیرات بسیار به فقرای

آن نواحی داده و قندیلی، چون قبه خورشید خاوری... نصب فرموده... هر شب پنج خروار برنج، در وجه خدمه و فقرا داده شود» (مروی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۶۷)؛ بدین ترتیب، مردم همچون سلطان به برکت امام شیعی، به طرف آرامش ترغیب شدند؛ بنابراین به مصداق «الناس علی دین ملوکهم»، مردم به شیوه حاکمان خود هستند؛ با تغییر در خلقیات حاکمان، مردم نیز تغییر می‌یابند. مروی همین‌طور در جای دیگر چنین می‌آورد که: «طلاکاری گنبد امام علی (ع)، به همت وی به اتمام رسیده است» (همان، ج ۳، ص ۸۹۲، ۹۲۳، ۹۲۱). چیزی که مروی آن را چنین به قلم کشیده: «نادر زیارت امامان را چنان‌که در خور اخلاص و اعتقاد پادشاهان دین‌پرور بود، انجام داد و مجاوران آن مکان همایون را به اصناف اکرام و احسان مسرور و شادمان گردانید (همان ج ۱، ص ۲۷۶)». این اقدامات نادر، به دلیل نذری بوده که نادر در لشکرکشی‌های گذشته داشته است و تحقق اهداف او در این فعالیت‌ها، او را واداشته است تا به زیارت این اماکن بپردازد (اروجی، همان، ص ۴۴).

مورخ دیگر این دوره، استرآبادی نیز با ذکر اهتمام نادر به آبادانی اماکن متبرکه شیعه در عراق، از آرزوی نادر برای زیارت کربلا و نجف نوشته است که در سفر اول وی مهیا نشد؛ اما در سفر دوم وی، امکان زیارت امامان کاظمین و سپس نجف فراهم گردید (استرآبادی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۲). استرآبادی ارادت نادر را به امام علی (ع)، چنین بیان کرده است که «ارادت نادر به امام علی (ع)، به حدی بود که وی را واجب‌التعظیم و قبله ارباب نیاز و کعبه اهل راز می‌دانست و برای آنجا نذورات فراوان در نظر گرفت؛ چراکه نادر، نذر کرده بود که هرگاه در جنگ‌ها به پیروزی برسد، گنبد را طلا گرفته و به همین دلیل، وی چهار عدد قندیل مدور به جواهر قرار داد» (همان، ص ۲۷۴-۲۷۵).

نتیجه

از آنجایی که متون مورد پژوهش، هم‌زمان با تثبیت اقتدار نادر به نگارش درآمده است، این آثار، ویژگی‌های تاریخ‌نویسی درباری دارند که تلاش می‌کنند تا روایت تاریخی و فراتاریخی شکوه‌مندی از نادر و حکومت افشاری ارائه دهند. آن‌ها علت اصلی ظهور نادر و پیروزی وی در جنگ‌ها را تقدیر یا تأیید پروردگار، یا بخت و اقبال مساعد بیان می‌کنند. به دنبال همین نگاه و نگرش به تاریخ، مروی و استرآبادی ظهور نادر را نتیجه تقدیر و بخت

مساعد دانسته و علل تاریخی دیگر، نظیر: حُسن تدبیر، اختلاف بین نادر و افغان‌ها، یا نبود دشمن نیرومند در ایران را جزو علل فرعی و کم‌اهمیت‌تر معرفی می‌نمایند. در بینش این مورخان، عامل اصلی مشروعیت‌زای حاکمیت و اقتدار نادر، در امر «غزا و جهاد» به دست آمده و به اوج خود رسیده است. اهمیت مشروعیت‌سازی براساس سنت غزا، با القابی که مورخان مورد نظر به نادر می‌دهد نیز قابل مشاهده است. مهم‌ترین و پُرکاربردترین این القاب، عبارت است از: سلطان مجاهدان، سلطان غازی، سلطان... . تجربه نشان می‌دهد، مذهب از عناصر اساسی است که جوامع انسانی به آن تعلق و وفاداری دارند.

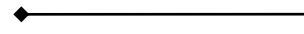
پس از استخلاص ایران از نیروهای معارض افغان و بخشیدن آرامش و امنیت بدان به وسیله نادرشاه، مهم‌ترین مسئله‌ای که در برابر وی وجود داشته، امر مهم مذهب بوده است؛ هرچند نادرشاه برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود محدودیت‌هایی را برای مذهب تشیع به وجود آورد. بسیاری از مورخین و منابع تاریخی در مورد مذهب و سیاست مذهبی نادر، نوشته‌های ضد و نقیض را ارائه کرده‌اند؛ اما با این وجود، اقدامات مذهبی نادر که نشان از ارادات وی به مذهب شیعه و امامان شیعه (ع) است را نمی‌توان نادیده گرفت. احساس تعلق به مذهب شیعه و ارادات به امامان شیعه (ع)، در همه دوره‌های تاریخی در ایران مورد توجه بوده است. نادر هم از آن مستثنی نیست. همه اقدامات نادر، نشان می‌دهد که وی تا قبل از تاج‌گذاری در مذهب شیعه استواری کامل داشته است؛ اما تسامح مذهبی وی، بعد از تاج‌گذاری در سال ۱۱۴۸، نشان می‌دهد که نادر از بیان طرح مسأله وحدت، اهداف سیاسی را دنبال می‌کرد. آن‌گونه که با مطالعه منابع دوره افشاریه مشخص شد، نادر قبل از رسیدن به سلطنت، تمایلات شیعی از خود بروز می‌داد؛ هرچند که بعد از سلطنت، برای رسیدن به اهداف سیاسی و تصرف ممالک اسلامی، سیاست مذهبی‌اش را تا حدی تغییر داد؛ اما با این وجود، نمی‌توان اقدامات و ارادات به امامان شیعه (ع) را در مشروعیت‌بخشی وی نادیده گرفت.

منابع

- آرام، محمدباقر، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- استرآبادی، میرزا مهدی‌خان، جهان‌گشای نادری، به اهتمام عبدالله انوار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷.
- استرآبادی، میرزا مهدی‌خان، جهان‌گشای نادری، به اهتمام میترا مهرآبادی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۸.
- اکسورثی، مایکل، ایران عصر نادر، ترجمه صادق زیباکلام - سیدامیر نیاکویی، تهران، روزنه، ۱۳۸۸.
- امورتی، ب.ساز مجموعه تاریخ کمبریج (دوره صفویان)، تهران، جامی، ۱۳۸۷.
- اوتر، ژان، سفرنامه ژان اوتر، ترجمه علی اقبالی، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳.
- بازن، پادری، نامه‌های طیب نادر شاه، ترجمه علی اصغر حریری، گیلان، انتشارات شرق، ۱۳۶۵.
- بنجامین، س.ج.و، ایران و ایرانیان، مترجم: محمدحسین کُردبچه تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳.
- بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ج ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- پری، جان، تاریخ ایران از مجموعه تاریخ کمبریج، دوره افشاریه، زندیه و قاجار، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، جامی، ۱۳۸۷.
- پیسن، مایکل و همکاران، فرهنگ اندیشه‌ی انتقادی از روشنگری تا پسامدرنیته، ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران: مرکز، ۱۳۸۲.
- ترکمان، اسکندربیگ، عالم‌آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۱، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، تهران، نشر علم، ۱۳۸۸.
- جوزف، مارتین، سیاست‌نامه حسینی یا السیاسه‌الحسینیة، ترجمه سیدجلال‌الدین مویدالاسلام، تهران، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۵.
- حضرتی، حسن، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، تهران، نقش جهان، ۱۳۸۰.
- خواجه‌ی اصفهانی، محمد معصوم، خلاصه‌السییر، مصحح ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴.
- شعبانی، رضا، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، تهران، نوین، ۱۳۶۹.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن، گلشن مراد، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۹.
- فرانکلین، ویلیام، مشاهدات سفر از بنگال به ایران، ترجمه محسن جاویدان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴



غزا و جهاد عامل مشروعیت‌زای حاکمیت نادر در بینش تاریخ‌نگارانه مروی و استرآبادی

- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا، سفرنامه دن گارسیا فیگوئروا، ترجمه: غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۷.
- کارری، جملی، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنک، تبریز، اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ۱۳۸۷.
- گلستانه، ابوالحسن، مجمل التواریخ، به سعی و اهتمام: مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
- لکه‌پارت، نادرشاه، ترجمه و اقتباس: مشفق همدانی، تهران، چاپخانه شرق، ۱۳۳۱.
- مروی، محمدکاظم، عالم‌آرای نادری، تصحیح و مقدمه محمدمین ریاحی، تهران، ۳جلدی، نشر علمی، ۱۳۷۴.
- ملکم، جان، تاریخ ایران، ترجمه: میرزا حبیب حیرت، ج ۱، تهران، افسون، ۱۳۸۰.
- موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق، تاریخ گیتی‌گشا، با مقدمه سعید نفیسی، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۸.
- موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق، تاریخ گیتی‌گشا، تحریروتحشیه: عزیزالله بیات، تهران، انتشارات سپهر، ۱۳۶۳.
- میرزا محمد کلانتر فارس، روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس، تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران، طهوری، ۱۳۶۲.
- نیبور، کارستن، سفرنامه نیبور، ترجمه پرویز رجبی، تهران، توکا، ۱۳۵۴.
- هنوی، جونس، زندگی نادرشاه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۲۲

مقالات

- اروجی، فاطمه، پروان، بیژن، «پژوهشی در دین و سیاست مذهبی نادر»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۳ پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
- امینی، زلیخا، رضوی، سیدابوالفضل، «خودی و دیگری مذهبی» در تاریخ‌نگاری عالم‌آرای نادری، مجله تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱۹.
- توحیدی‌نیا، روح‌الله و صفیری فروشانی، نعمت‌الله، «بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم هجری»، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام، سال شانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴.
- صدیقی، ناصر و عارف نریمانی، «چیستی تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی ۱۳۹۰، شماره ۱۶۴.

- فتح‌الله‌پور، پرویز، «تشیع در دوره نادرشاه افشار»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۵.
- فروغی، اصغر، «کارکرد مراسم سوگواری عاشورا در رسمی شدن مذهب شیعه در زمان صفویه»، مجله مشکوه، شماره ۸۱، زمستان ۱۳۸۲.
- نیک‌زاد طهرانی، علی‌اکبر، حمزه، حسین، «تشیع و تاریخ اجتماعی ایرانیان در عصر صفوی»، شیعه پژوهی، سال دوم، شماره ششم، بهار ۹۵.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴